

## ماده ۵۲۲ قانون آیین دادرسی مدنی در آیین نظریه تعدیل پول

کامران آقایی\*

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۱۲/۲۴ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۵/۱۸

### چکیده

این جستار تحلیلی بر ماده ۵۲۲ قانون آیین دادرسی مدنی با رویکردی بر پیشینه موضوع در قوانین و آموزه‌های حقوقی است. در آغاز، خسارت تأخیر تأدیه در قانون مدنی و به‌ویژه قانون آیین دادرسی مدنی سابق، تشریح شده و سپس ماده ۵۲۲ قانون آیین دادرسی مدنی جدید در پرتو نظریه‌های فقهی و حقوقی تحلیل و بر این نکته تأکید شده است که ماده ۵۲۲ همان خسارت تأخیر تأدیه در قوانین پیشین یا نظام‌های حقوقی فرانسه و آلمان نیست و تأسیس حقوقی نوین‌یادی متأثر از گفتمان حقوقی جدید است که در این نوشتار از آن با عنوان تعدیل پول یاد شده است. تعدیل پول به فرجام‌گذار از نگرش اصالت بخشیدن به مبلغ اسمی اسکناس است که در برخی کشورها، از جمله فرانسه، در ماده ۱۸۷۵ قانون مدنی درباره آن قاعده‌گذاری شده است. اما نکته حائز اهمیت آن است که چه در مرحله بنیان‌گذاری این نهاد و چه در تدوین آموزه‌های حقوقی که لاجرم به ایجاد یک رویه در دادگاه‌ها می‌انجامد، برداشت‌های ناصوابی وجود دارد که باید برای برطرف ساختن آن کوشید و همچنین چشم‌اندازهای جدیدی هست که باید آنها را برای نزدیکی به عدالت قضایی گسترش داد. در این مقاله به بخش کوچکی از آنها پرداخته شده است. اما نکته حائز اهمیت آن است که چه در مرحله بنیان‌گذاری این نهاد و چه در تدوین آموزه‌های حقوقی که لاجرم به ایجاد یک رویه در دادگاه‌ها می‌انجامد، برداشت‌های ناصوابی وجود دارد که باید برای برطرف ساختن آن کوشید و همچنین

\* مدرس مدعو دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی.

چشم‌اندازهای جدیدی هست که باید آنها را برای نزدیکی به عدالت قضایی گسترش داد. در این مقاله به بخش کوچکی از آنها پرداخته شده است.

### کلیدواژگان:

اصل جبران کامل خسارت، بهره، تعدیل پول، تغییر شاخص‌های سالانه، خسارت تأخیر تأدیه، خسارت قراردادی.

## مقدمه

در روزگار ما زیان دیرکرد در اختلاف‌های برآمده از مطالبه پول به یکی از چالش‌های بزرگ دادگستری بدل شده و حتی قانون‌گذار را به بازاندیشی درباره رویدادهای همانند آن وادار ساخته است. کافی است، محاسبه کنیم که اگر میانگین تطویل دادرسی در یک پرونده ساده دو سال باشد، در کشوری که نرخ تورم گاه سالانه از مرز پنجاه درصد هم می‌گذرد، رژیم حقوقی زیان دیرکرد در یک پرونده مطالبه وجه، ممکن است ارزش خواسته را به بیش از دو برابر افزایش دهد. حال اگر پرونده با امور فنی همچون کارشناسی یا دعاوی طاری متعدد درآمیزد که اطالعه دادرسی را نیز ناگزیر می‌سازد، این افزایش ممکن است به چندین برابر اصل خواسته بالغ شود. در این خصوص، البته با احکامی برخورد می‌کنیم که زیان دیرکرد آنها از مرز بیست تا سی برابر اصل خواسته فراتر رفته و بدیهی است که چنین احکامی باید همراه با مطالعاتی دقیق درباره موضوع و تعیین وضعیت حقوقی آن باشد.

نگارنده که با ناهماهنگی و ناهمگونی آموزه‌های حقوقی و احکام قضایی در این‌باره بسیار روبرو شده بود، در سال ۱۳۹۰ یکی از عناوین سخنرانی‌های علمی خود را خسارت تأخیر تأدیه قرار داد و پس از طرح مسائل جدید، دامنه آن را گسترش بخشید که به فرجام بخش‌های عمده‌ای از مباحث عنوان شده در چارچوب جستار پیش‌رو به جامعه حقوقی پیشکش می‌شود. خوشبختانه رویه قضایی به پاره‌ای از نیازهای مطرح شده در این متن، هرچند با کاستی‌های فراوان، از جمله در رأی وحدت رویه سال ۱۳۹۳، درباره ضمان درک پاسخ گفته است و امیدواریم تا با انگیزه‌ای بر طرح پرسش‌های جدید، امکان آفرینش یک گفت‌وگو<sup>۱</sup> جدید در این‌باره میسر شود. همانا یکی از بن‌مایه‌های این جستار تفاوت نهادن میان خسارت تأخیر تأدیه و تأسیس جدید تعدیل پول است؛ با این توصیف که تعدیل پول خسارتی اصلی و به معنای ایفای اصل تعهد است، حال آنکه خسارت تأخیر تأدیه خسارتی فرعی و البته زیاده بر ایفای اصل تعهد است. در تفسیرهای حقوقی، در آمیختن این دو نهاد، حتی در زبان قانون‌گذار، به اشتباهاتی انجامیده که نوشتار پیش‌رو کوشش کرده است تا از آن جلوگیری کند. در این متن ما بیشتر واژه تعدیل پول را به کار برده‌ایم تا بر جداسازی پیش‌گفته تأکید کنیم. اما می‌توان از عبارت فارسی زیان دیرکرد در

1. Discourse.

پرداخت یا خسارت ناشی از کاهش ارزش پول برای این منظور استفاده کرد که پیش از این برخی حقوق دانان از آن بهره برده‌اند.

## ۱. پیشینه خسارت تأخیر تأدیه در قوانین ایران

### ۱.۱. خسارت تأخیر تأدیه در قوانین ماهیتی

قانون مدنی ایران در ماده ۲۲۸ به عنوان خسارت تأخیر تأدیه اشاره کرده است. این ماده مقرر می‌کند: «در صورتی که موضوع تعهد تأدیه وجه نقدی باشد، حاکم می‌تواند با رعایت ماده ۲۲۱ مدیون را به جبران خسارات حاصله از تأخیر در تأدیه دین محکوم کند». به موجب ماده ۲۲۱ قانون مدنی، متعهد هنگامی به پرداخت خسارت نقض تعهد محکوم می‌شود که به آن تصریح شده باشد یا قانون و عرف نقض تعهد را ضمان آور بداند. با انطباق ماده ۲۲۸ قانون مدنی بر ماده ۲۲۱ مشخص می‌شود که قانون‌گذار تأخیر تأدیه را وفق قانون مسئولیت آور اعلام کرده است. افزون بر این، در ماده ۲۳۰ به توافق طرفین اشاره شده است؛ به این تعبیر که «اگر در ضمن معامله شرط شده باشد که در صورت تخلف، متخلف مبلغی به عنوان خسارت، تأدیه نماید، حاکم نمی‌تواند او را به بیشتر یا کمتر از آن چه ملزم شده است، محکوم کند». در این ماده، قانون‌گذار میان خسارت واقعی و توافقی تمایز قائل شده و هرگونه توافق بر خسارت را بدون قید و شرط نافذ و معتبر دانسته است که حکم قانون‌گذار در ماده ۳۸۶ قانون تجارت نیز از همین سازوکار حقوقی پیروی می‌کند.

افزون بر اینها، قانون‌گذار در ماده ۳۴ قانون ثبت سابق<sup>۱</sup> و مواد ۳۶ و ۳۷ آیین‌نامه اجرای مفاد اسناد رسمی سال ۱۳۵۵ و ماده ۱۱ سابق قانون چک<sup>۲</sup>، به لزوم پرداخت خسارت تأخیر تأدیه

۱. ماده ۳۴ قانون ثبت اشعار می‌داشت «در مورد معاملات مذکور در ماده ۳۳ و کلیه معاملات شرطی و رهنی راجع به اموال غیرمنقول در صورتی که بدهکار ظرف مدت مقرر در سند بدهی خود را نپردازد بستانکار می‌تواند وصول طلب خود را توسط دفترخانه تنظیم‌کننده سند درخواست کند. دفترخانه بنا به تقاضای بستانکار اجرائیه برای وصول طلب و اجور و خسارت دیرکرد صادر خواهد کرد و با اداره ثبت ارسال خواهد داشت و بدهکار از تاریخ ابلاغ اجرائیه هشت ماه مهلت خواهد داشت که نسبت به پرداخت بدهی خود اقدام نماید.»

۲. ماده ۱۱ قانون سابق صدور چک اشعار می‌داشت: «هرگاه قبل از صدور حکم قطعی شاکی گذشت نماید و یا این که متهم وجه چک و خسارت تأخیر تأدیه را نقداً به دارنده آن پرداخت کند، یا موجبات پرداخت وجه چک و خسارت مذکور (از قرار ←

تصریح کرده بود و از جمله در ماده ۳۰۴ اشعار می‌دارد که خسارت تأخیر تأدیه برات (همچنین سفته و چک مشمول قانون تجارت) از روی اعتراض قابل مطالبه است.

### ۱.۲. خسارت تأخیر تأدیه در قانون آیین دادرسی مدنی سابق

قانون آیین دادرسی مدنی مصوب سال ۱۳۱۸، از مواد ۷۲۸-۷۰۹ به مباحث خسارت پرداخته و به‌خصوص در مواد ۷۱۹ تا ۷۲۶ احکام خسارت تأخیر تأدیه را مطرح ساخته بود. ماده ۷۱۹ این قانون مقرر کرده بود که اگر موضوع تعهد وجه نقد باشد، خسارت تأخیر تأدیه دوازده درصد محکوم بها در سال است و طرفین تحت هیچ عنوانی نمی‌توانند به بیش از آن توافق کنند؛ اگرچه توافق به کمتر از آن تأیید می‌شود. بر اساس ماده ۷۱۹، قانون‌گذار با عبارت وجه نقد، هم وجه رایج در کشور و هم ارز خارجی را مشمول خسارت تأخیر می‌دانست که این مطلب در رأی وحدت رویه ۹۰-۴/۱۰/۱۳۵۳ مورد تأیید قرار گرفت. نکته دیگر این که وفق این ماده، در معاملاتی که موضوع وجه نقد بود، نظیر قرض و وام، یا اینکه تمام یا بخشی از تعهد مشتمل بر پرداخت پول می‌شد، همچون ثمن معامله یا عقود مانند مشارکت و غیره، طرفین نمی‌توانستند به خسارتی بیش از دوازده درصد در سال توافق کنند و از این حیث ماده ۲۳۰ قانون مدنی در جایی که تعهد پولی مطرح بود، به دلیل حاکمیت ماده ۷۱۹ دچار تخصیص می‌شد. برای نمونه، کسی نمی‌توانست قرارداد وامی را منعقد سازد و در ضمن قرارداد، خسارت تأخیر را از قرار سالیانه بیست و پنج درصد قرار دهد. بدین ترتیب، اگر در قراردادی خسارت تأخیر پیش‌بینی شده بود، همان ملاک عمل قرار می‌گرفت و در غیر این صورت ضابطه بر اساس قانون آیین دادرسی مدنی تعیین می‌شد.

بر پایه ماده ۷۱۳ قانون پیش‌گفته، درخواست خسارت از خسارت ممنوع شده بود و به موجب ماده ۷۲۵ خسارت تأخیر به صرف تأخیر قابل مطالبه بود و نیازی به اثبات نداشت و آغاز خسارت نیز در مواد ۷۲۰ و ۷۲۱ یا از زمان توافق و قرارداد و یا اظهارنامه و طرح دعوا محاسبه می‌شد. در جمع‌بندی قوانین پیش‌گفته، چند نکته قابل طرح است:

→ صدی دوازده در سال از تاریخ ارائه چک به بانک) را فراهم کند یا در صندوق دادگستری یا اجرای ثبت تودیع نماید، مرجع رسیدگی قرار موقوفی تعقیب صادر خواهد کرد.»

- الف) قانون گذار پول را، خواه داخلی باشد یا خارجی، دارای منفعت عرفی می‌داندست و از ضابطه بهره در تعیین آن بهره گرفته بود.
- ب) خسارت تأخیر دارای جنبه‌ای تنبیهی بود؛ به این معنا که اگر شخص بدهی خود را پرداخت نمی‌کرد، باید جریمه‌ای را می‌پرداخت که به نام خسارت تأخیر تأدیه شناخته می‌شد.
- ج) خسارت تأخیر تأدیه به پیروی از بهره‌دارای محدودیت، دوازده درصد بود و شرط بیش از آن معامله را ربایی می‌ساخت که ممنوع بود.
- د) قانون گذار در تعیین خسارت تأخیر تأدیه از نظام‌هایی پیروی کرده بود که مبلغ اسمی اسکناس را ثابت قلمداد می‌کنند<sup>۱</sup> یا فرض می‌گیرند که قیمت‌ها ثابت و تغییرناپذیر است و یا تغییرات نیز جزئی و قابل چشم‌پوشی است، وگرنه تورم جاری در کشور نیز گونه‌ای خسارت به طلبکار محسوب می‌شود.
- ه) صرف دیرکرد در پرداخت برای مطالبه خسارت تأخیر کافی بود و نیازی نبود تا طلبکار شرایط تحقق خسارت را همچون سایر خسارات ثابت کند.
- در نظام‌های حقوقی مدرن نیز خسارت تأخیر تأدیه عمدتاً پذیرفته شده است و از جمله در ماده ۱۱۵۳ قانون مدنی فرانسه و ماده ۱۱۳۳ قانون مدنی اتریش و نیز کشورهای امریکا و انگلیس این قاعده را اعمال می‌کنند.<sup>۲</sup>

۱. کاتوزیان، دکتر ناصر، **نظریه عمومی تعهدات**، جلد اول، تهران: انتشارات یلدا، چاپ اول، زمستان ۱۳۷۴، (ص ۵۲)؛ همچنین کاتوزیان، دکتر ناصر، **قواعد عمومی قراردادها**، جلد چهارم، تهران: انتشارات شرکت انتشار با همکاری بهمن برنا، چاپ دوم، ۱۳۷۶، شماره ۷۰۵، ص ۳۹؛ نیز نک: بند «و» ماده ۲ قانون پولی و بانکی کشور. قانون گذار فرانسه در ماده ۱۸۹۵ قانون مدنی این کشور بر ارزش اسمی پول تأکید کرده است. این ماده مشعر بر این است که تعهد برآمده از قرض پول، فقط همان مقدار احصا شده در قرارداد است. اگر پیش از هنگام پرداخت ارزش پول افزایش یا کاهش یابد، بدهکار باید به اندازه شماره‌ای که قرض کرده است، بازپرداخت کند و نباید افزون بر این مبلغ را از وجه نقدی که در هنگام پرداخت جریان دارد، پرداخت کند.

Art.1895: L'obligation qui re'sulte d'un pre'ten argent, n'est toujours que de la somme nume'rique e'nonce'e au contrat.  
S'il y a eu augmentation ou diminution d'espe'ces avant L'e'poque du payement, le de'biteur doit rendre la somme nume'rique pre'te'e , et ne doit rendre que cette somme dans les espe'ces ayant cours au moment du payement.

۲. سماواتی، حشمت الله، **خسارت ناشی از عدم انجام تعهدات قراردادی**، تهران: انتشارات خط سوم، چاپ دوم، ۱۳۷۸، صص ۱۱۰-۱۱۲.

## ۲. نظریه تعدیل پول

### ۲.۱. رویکرد مراجع تقلید به موضوع

پس از وقوع انقلاب، سازمان‌ها و مراجع قضایی پرسش‌ها و استفساریه‌های گوناگونی را درباره مشروعیت خسارت تأخیر تأدیه نزد مراجع تقلید یا شورای نگهبان مطرح کردند. برای نمونه، هنگامی که از امام خمینی(ره) در خصوص مواد ۳۶ و ۳۷ آیین‌نامه اجرایی مفاد اسناد رسمی استفتا شد، ایشان به صراحت این ماده را ربا و غیرشرعی اعلام کرد<sup>۱</sup> و شورای نگهبان نیز در سال‌های ۶۱، ۶۴ و ۶۷ مواد مندرج در قانون آیین دادرسی مدنی و سایر مواد متفرق درباره خسارت تأخیر را برخلاف شرع دانست.

اعلام نظر مراجع فقهی و رسمی مبحث خسارت تأخیر تأدیه را دچار تشویش و ناهماهنگی ساخت و بر اقتصاد کشور تأثیر عمیقی گذاشت. با این توصیف که افراد ضمن دریافت وام از نظام بانکی آن را مسترد نمی‌کردند و از پرداخت هرگونه خسارت تأخیر معاف بودند. به فرجام در سال ۱۳۶۱ شورای پول و اعتبار در قراردادهای بانکی شرطی را گنجانده که به موجب آن، در صورتی که وام‌گیرنده در سررسید از پرداخت بدهی خویش خودداری کند، باید بابت دیرکرد خسارت بپردازد. در استفساری که رئیس بانک مرکزی از شورای نگهبان کرد، این شورا شرط مذکور را مغایر با شرع ندانست. توجیه شورا آن بود که خسارت تأخیر مجوز اعطای مهلت نیست تا ربا قلمداد شود، بلکه جریمه‌ای است که مدیون به دلیل امتناع از پرداخت دین خود مکلف به پرداخت آن می‌شود که در سوابق فقهی تحت عنوان شرط کیفی به بحث گذاشته شده است<sup>۲</sup>. درج این شرط مشکلات عدیده را از میان نبرد، زیرا قراردادهای بدون شرط کیفی همچنان از شمول خسارت تأخیر خارج بود. بنابراین در تاریخ ۱۳۶۸/۱۰/۵، مجمع تشخیص مصلحت نظام در «قانون نحوه وصول مطالبات بانک‌ها» کلیه وجوه و تسهیلات را مشمول خسارت تأخیر تأدیه دانست. قاعده مذکور از مفاد ماده ۲۳۰ قانون مدنی استخراج شده است، اما ایراد بزرگ وارد بر آن عبارت می‌شود از اینکه در مقررات بالا هیچ محدودیتی برای دریافت خسارت تأخیر پیش‌بینی نشده

۱. نک: موسویان، سید عباس، بررسی فقهی - حقوقی قوانین مربوط به جریمه و خسارت تأخیر تأدیه در ایران،

در مجموعه جریمه تأخیر تأدیه، گردآوری سید عباس موسویان، تهران: انتشارات جنگل، چاپ اول، ۱۳۸۹، ص ۳۷.

۲. همان، صص ۳۸ و ۳۹.

است؛ حال آنکه در قانون‌گذاری‌های مدرن، تفاوت ربا و بهره بانکی به میزان سود مورد مطالبه بستگی دارد و ممنوعیت ربا<sup>۱</sup> از این باب است<sup>۲</sup> که نمونه آن را در قانون آیین دادرسی مدنی سابق مشاهده کردیم.

در کنار ممنوعیت مطالبه خسارت تأخیر تأدیه و با توجه به نرخ تورم جاری در کشور که ناگزیر به کاهش ارزش پول می‌انجامد، اندک‌اندک حقوق‌دانان مبحث جدیدی را تحت عنوان تقلیل قدرت خرید اسکناس یا پول مطرح ساختند که یکی از اولین نویسندگان از این دست، مرحوم دکتر شهیدی در کتاب *سقوط تعهدات* بود<sup>۳</sup> که بر اساس نظر ایشان، چون قدرت خرید پول با افزایش تورم کاهش می‌یابد، مدیون باید قدرت معاملاتی اولیه را به بستانکار بازگرداند. مسئله مذکور نزد فقها نیز مطرح شد و در مجموع با وجود برخی مخالفت‌ها، این خسارت تحت عناوینی نظیر غصب یا اتلاف مالیت و یا قدرت اقتصادی پول، قابل مطالبه دانسته شد.<sup>۴</sup>

در پی این رویکردها، برای نخستین بار مجمع تشخیص مصلحت نظام در تاریخ ۱۳۷۶/۳/۱۰ ضمن الحاق یک تبصره به ماده ۲ قانون صدور چک، خسارات وارد شده به دارنده چک پرداخت نشده را از تاریخ چک قابل مطالبه دانست و در ماده واحده قانون تفسیری مورخ ۱۳۷۷/۹/۲۱ به ماده ۲، صراحتاً خسارت تأخیر تأدیه را یکی از اقسام خسارت‌ها اعلام کرد. جالب آنکه با وجود اصلاحات قانون چک در سال ۷۲، ماده ۱۱ قانون پیش‌گفته که به خسارت تأخیر تأدیه اشاره می‌کرد، حذف نشده بود و قانون مذکور عیناً از تأیید شورای نگهبان گذشت، اما بعدها شورا ماده ۱۱ را غیرشرعی دانست. به همین ترتیب، در تبصره الحاقی به ماده ۱۰۸۲ قانون مدنی مصوب ۱۳۷۶/۴/۲۹ اعمال تغییر شاخص در خصوص مهریه‌های نقدی پذیرفته شد.

## ۲.۲. تحلیل ماده ۵۲۲ قانون آیین دادرسی مدنی

با تصویب ماده ۵۲۲ قانون آیین دادرسی مدنی در سال ۱۳۷۹، تأسیس حقوقی خسارت تأخیر تأدیه دارای تحولی اساسی شد. قانون پیش‌گفته در تبصره ۲ ماده ۵۱۵ به خسارت تأخیر تأدیه

1. Usury.

۲. کاشانی، محمود، «مبانی حقوقی و مقررات بهره و زیان دیرکرد» مجله کانون وکلای دادگستری مرکز، دوره جدید فروردین ۱۳۸۱، شماره ۷، شماره پیاپی ۱۷۶، صص ۹۰-۹۴.

۳. شهیدی، مهدی، *سقوط تعهدات*، تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، چاپ دوم، ۱۳۷۰، ص ۴۴.

۴. موسویان، سیدعباس، همان، صص ۵۶ و ۵۷.



تصریح می‌کند. در این تبصره، قانون‌گذار ضمن آنکه مطالبه خسارت ناشی از عدم‌النفع را منتفی اعلام می‌کند، خسارت تأخیر تأدیه را در موارد قانونی قابل مطالبه می‌داند و البته در خصوص خسارت از خسارت سکوت کرده است. اما در ماده ۵۲۲، قانون‌گذار اعلام می‌دارد که اگر موضوع دین، وجه رایج باشد و با آنکه دائن آن را مطالبه کرده است، مدیون با نقض تعهد از پرداخت بدهی‌اش خودداری کند، در صورت تغییر فاحش شاخص قیمت سالانه از تاریخ سررسید تا پرداخت، دادگاه براساس شاخص‌های تعیین‌شده از سوی بانک مرکزی، حکم خویش را صادر خواهد کرد.<sup>۱</sup> این ماده چنان که معلوم است، به کاهش قدرت اقتصادی پول اشاره دارد و قانون‌گذار شروطی را از این دست برای آن ذکر می‌کند:

الف) دین باید وجه رایج باشد. منظور از وجه رایج ریال داخلی است. در ماده ۵۲۲ بر خلاف ماده ۷۱۹ قانون آیین دادرسی مدنی پیشین و رأی وحدت رویه مرتبط با آن، پول خارجی مشمول خسارت تأخیر نمی‌شود و نمی‌توان از این ماده برای خسارت واردشده بر پول خارجی استفاده کرد.

ب) طلبکار باید دین را درخواست کرده باشد. بر خلاف سایر تعهدات که ایفای آنها باید از سوی متعهد صورت گیرد، در تعهدات پولی، طلبکار باید ایفای تعهد یا پرداخت وجه را مطالبه کند.<sup>۲</sup> قانون‌گذار در سایر مواد، از جمله ماده ۳۰۴ قانون تجارت، مأخذ زمانی محاسبه خسارت تأخیر تأدیه را مطالبه طلبکار دانسته است. شایان ذکر است که فقط در اصلاحیه قانون چک، ضابطه زمانی را تاریخ مندرج در چک اعلام کرده، نه گواهی عدم پرداخت را، زیرا که این مسئله مغایر با اصل پیش‌گفته است.<sup>۳</sup>

۱. در دعاوی که موضوع آن دین و از نوع وجه رایج بوده و بامطالبه داین و تمکن مدیون، مدیون امتناع از پرداخت نموده، در صورت تغییر فاحش شاخص قیمت سالانه از زمان سررسید تا هنگام پرداخت و پس از مطالبه طلبکار، دادگاه با رعایت تناسب تغییر شاخص سالانه که توسط بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران تعیین می‌گردد، محاسبه و مورد حکم قرار خواهد داد، مگر اینکه طرفین به نحو دیگری مصالحه نمایند.

۲. کاتوزیان، ناصر، قواعد عمومی قراردادها، جلد چهارم، ص ۱۵۴. البته چنان‌که پس از این مطرح می‌شود، از آنجا که ماده ۵۲۲ اساساً به خسارت تأخیر تأدیه نمی‌پردازد و تأسیس جدیدی است که در قوانین پس از انقلاب مصوب شده است، مطالبه را نباید یکی از شرایط آن دانست، بلکه انقضای مهلت دین برای اعمال ماده کافی است، زیرا قانون‌گذار از طریق ماده ۵۲۲ حکم بر اجرای اصل تعهد صادر کرده است نه خسارتی افزون بر مبلغ اصلی و بنابراین درخواست را نباید یکی از ارکان آن به شمار آورد.

۳. نک: آقایی، کامران، «جزوه حقوق حقوق تجارت تطبیقی»، کارشناسی ارشد حقوق خصوصی دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۹۳، ص ۲۹.

ج) تمکن مدیون. قانون‌گذار تمکن مدیون را یکی از شرایط دانسته است. چنان‌که می‌دانیم اگر کسی به دیگری بدهکار باشد، باید بی‌قید و شرط از عهده دین خود برآید. قانون‌گذار با این شرط، تکلیف مالایطاقی را بر طلبکار تحمیل کرده است که البته به وضعیت مالی او و بدهکار ارتباطی ندارد. بنابراین در چنین شرایطی بدهکار باید به قوانین استثنایی و خاص بدهکارانی متوسل شود که توانایی پرداخت دیون خود را ندارند و بهتر است که این شرط را نیز به اصطلاح اصولی مانع قلمداد کنیم؛ به این عبارت که اگر مدیون ادعای ناتوانی کرد، مشمول قواعدی نظیر اعسار یا در صورت لزوم ورشکستگی قرار گیرد. در مجموع، رویه قضایی در تفسیر خود این قید را کمتر مورد توجه قرار داده است؛ به این معنا که نیازی به اثبات تمکن از سوی طلبکار نمی‌بیند.

د) مدیون از پرداخت دین امتناع ورزد. از ظاهر عبارت قانون‌گذار برمی‌آید که منظور او نقض ارادی تعهد است؛ با این توصیف که مدیون در پرداخت دین مرتکب تقصیر شده باشد. به این ترتیب، در مواردی نظیر امور خارج از اراده مورد اشاره در مواد ۲۲۷ و ۲۲۹ قانون مدنی، موضوع از شمول ماده ۵۲۲ خارج است. اما استدلال دقیق‌تر آن است که طلبکار در هر حال وفق ماده ۵۲۲، حق مطالبه را دارد و اگر مدیون در مقام استفاده از مقررات ارفاقی است، باید به استناد همان قوانین از معافیت‌های قانونی استفاده کند.

ه) تغییر فاحش شاخص سالانه. قانون‌گذار از عبارت «تغییر فاحش شاخص» بهره گرفته که عبارتی مبهم است؛ زیرا این پرسش قابل طرح است که آیا تغییر عادی شاخص‌ها مشمول ماده ۵۲۲ نیست؟ تفسیر برگزیده آن است که کلیه تغییرات، خواه فاحش یا عادی، مشمول حکم قانون‌گذار است و رویه قضایی نیز میان این دو تفاوتی قائل نشده است. با توضیحات بالا تغییر ماده ۵۲۲ به این صورت پیشنهاد می‌شود:

«در دعوایی که موضوع آن وجه نقد رایج است، اگر بدهکار با درخواست طلبکار از پرداخت بدهی خودداری کند، باید از هنگام درخواست تا پرداخت با توجه به افزایش شاخص‌های سالانه بانک مرکزی دین را تعدیل کند.»

### ۲.۳. اصول و موازین حاکم بر تعدیل پول

#### ۲.۳.۱. تفسیر ماده ۵۲۲ در پرتو اصول حاکم بر خسارت قراردادی

چنان که می‌دانیم، خسارت یا از ضمان قهری ناشی می‌شود یا برآیند ضمان قراردادی است که بر هر دو اصل جبران کامل خسارت حاکم است.<sup>۱</sup> اصل یادشده در ضمان قهری به این معنا است که اگر زیان وارد نمی‌شد، وضعیت زیان دیده چگونه بود؟ یا به عبارت دیگر، وضعیت زیان دیده به حالت پیش از وقوع خسارت بازگردانده شود. در ضمان قهری، از آنجا که دادگاه چگونگی جبران زیان را تعیین می‌کند، نظیر ساخت دیوار ویران شده یا عذرخواهی در رسانه‌ها از شخص هتک حیثیت یافته و یا پرداخت مبلغی پول، احکام صادر شده جنبه تأسیسی دارد.<sup>۲</sup> البته روش عموم دادگاه‌ها که در پرداخت پول، زمان وقوع خسارت را ملاک پرداخت مبلغ زیان می‌دانند، محل ایراد است و باید اصلاح شود. اما نکته تأمل برانگیز این است که اگر دادگاه بر پرداخت مبلغی به عنوان خسارت حکم صادر کند، چون تا هنگام اجرای حکم و پرداخت وجه زمانی فاصله می‌افتد، دادگاه باید معیاری را برای زمان صرف شده در نظر بگیرد که بهترین آن همان بهره‌گیری از معیار شاخص‌هاست.

در باره خسارت قراردادی، اصل جبران کامل خسارت چنین حکم می‌کند که اگر ناقض قرارداد به تعهد خود عمل می‌کرد، وضعیت زیان دیده چگونه می‌شد؟ یا به عبارت دیگر، اگر قرارداد نقض نمی‌شد، از قرارداد چه مایه‌ای نصیب زیان دیده می‌شد؟<sup>۳</sup> برای نمونه، اگر مقرر بوده است که متعهد برای صاحب کارخانه یک خط تولیدی را در مهلت معین راه‌اندازی کند، در صورت تأخیر در اجرای تعهد چه اندازه سود حاصل از راه‌اندازی به موقع خط از او سلب شده است؟ یا طبق همین روش، چنانچه کارفرما در پرداخت صورت وضعیت‌های پیمانکار خودداری کند و تأخیر او به پیمانکار زیان برساند. احکام ناظر بر خسارت قراردادی جنبه اعلامی دارند؛ به این معنا که

۱. کاتوزیان، ناصر، الزام‌های خارج از قرارداد (ضمان قهری)، دوره دو جلدی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، چاپ هشتم، شماره ۳۵۶، ص ۶۷۵؛ نیز رنجبر، مسعود رضا، خسارت ناشی از نقض قرارداد، تهران: انتشارات میزان، چاپ اول، ۱۳۸۷، صص ۲۲-۲۴.

۲. کاتوزیان، ناصر، همان، شماره ۳۵۵، ص ۶۷۵. برای تشخیص احکام تأسیسی از اعلامی، نک: شمس، عبدالله، آیین دادرسی مدنی، جلد دوم، تهران: انتشارات میزان، چاپ اول، ۱۳۸۱، ص ۲۳۰.

۳. رنجبر، مسعود رضا، همان، صص ۲۳-۳۵.

دادگاه استحقاق پیشین متعهد را احراز و اعلام می‌کند که در مواد ۲۲۱ و ۲۲۶ و ۲۲۷ و ۲۳۹ قانون مدنی ضوابط آنها بیان شده است.

ماده ۵۲۲ قانون آیین دادرسی مدنی نیز مشمول خسارت قراردادی است، زیرا متن ماده مشعر بر این است که شخصی از دیگری به عقود همانند قرض، بیع، اجرت عمل و پیمانکاری بستانکار است و بدهکار از پرداخت بدهی خودداری می‌کند و حکم دادگاه نیز احراز و اعلام دین پیشین است، نه آنکه دادگاه زبانی را احراز کند و چگونگی جبران آن را پرداخت مبلغی پول قرار دهد. با این توصیف، ماده ۵۲۲ پیرو اصل پیش گفته است؛ به این معنا که طلبکار به وضعیتی برسد که اگر پول او پرداخت می‌شد، بدان واصل می‌گردید. قانون‌گذار در ماده ۵۲۲ فرضی را بنیان‌گذاری کرده است تا بر مبنای آن خسارت واردآمده به طلبکار جبران شود؛ به این معنا که میانگین تغییر قیمت کالاها به‌عنوان سنج‌های به‌کار می‌رود که با آن خسارت زیان‌دیده جبران می‌شود و موضوع به دادگاه واگذار نمی‌گردد تا بر اساس ادعاهای خواهان، حکم به خسارت صادر کند؛ برای نمونه، یک تاجر ممکن است ادعا کند که با به‌گرددش در آوردن پول ممکن بود سودی عاید او شود که یک شخص عادی آن بهره‌وری را ندارد. به حکم قانون‌گذار، دادگاه باید از ضابطه‌ای کلی که همان تغییر شاخص‌هاست، برای صدور حکم استفاده کند.

#### ۲.۳.۲. تبیین فلسفی تعدیل پول

از منظر مبانی فلسفی، گاه احکام حقوقی برآمده از طبیعت کار امور و دارای ماهیت تکوینی و عقلی است. به عبارت دیگر، گاه گزاره‌های حقوقی از واقعیت‌های جاری در طبیعت یا اجتماع ناشی می‌شود که در این موارد دانش حقوق به فرجام این گزاره‌ها را تدوین می‌کند؛ برای مثال، در جهان خارج اموالی تحت عنوان مثلی یا قیمی تقرر داشته و قانون‌گذار برای استخراج احکام حقوقی از عناوین آنها بهره گرفته است. همچنین سن بلوغ و رشد یا ورشکستگی و اعسار امری خارجی و موضوعی است. قانون‌گذار در خصوص وقایع خارجی اصولاً دخل و تصرفی ندارد و فقط امور مرتبط با آنها را قاعده‌مند می‌سازد؛ برای نمونه، بلوغ و رشد امری خارجی است و قانون‌گذار وصول به بلوغ و رشد را موجد اهلیت معاملاتی می‌داند. در حقوق اموال نیز قانون‌گذار به ناگزیر باید از واقعیت‌های مالی پیروی کند؛ چنان‌که اگر کسی مال دیگری را از میان ببرد، باید همانند آن را و در صورت نبود، قیمتش را پرداخت کند. این راهکارها در نهایت به معنای اعاده تعادل

است؛ به این تعبیر که ناقض تعهد یا زیان‌رسان تعادل به‌هم‌خورده در اموال زیان‌دیده را بازگرداند.

ماده ۵۲۲ نیز بر واقعیت‌های اقتصادی قوام یافته و بر نظریه تعدیل پول مبتنی شده است. توضیح اینکه چون در واقعیت و خارج مالیت پول یا اسکناس کاهش می‌یابد، نقض‌کننده تعهد باید با توجه به ارزش آن و به قصد اعاده تعادل، کاهش صورت‌گرفته را جبران کند که در این صورت دین خود را پرداخت کرده است. بنابراین، نظریه اقتصادی تعدیل پول همانا ایفای اصل تعهد از سوی متعهد است و خسارتی افزون بر آن نیست و با این دیدگاه است که برخی فقها بر اساس نظریه اتلاف مالیت پول و از میان رفتن قدرت خرید پول یا ضرر، به اعاده تعادل باور یافته‌اند.

### ۳. نقدی بر رویکرد قانون‌گذار در ماده ۵۲۲

#### ۳.۱. از حیث تفسیر شرایط

با رهیافت‌های پیش‌گفته می‌توان ماده ۵۲۲ را به این ترتیب مدلل ساخت:

الف) در برخی شرایط قانون‌گذار فاقد توجیه است: نخست اینکه تمکن بدهکار به‌هیچ‌وجه در ایفای تعهدات او نقشی ندارد و هر مدیونی مکلف است تا دین خود را پرداخت کند و در نهایت با استفاده از روش‌های استثنایی پیش‌بینی‌شده در قانون، نظیر ورشکستگی یا اعسار، ناتوانی خود را به اثبات برساند؛ دوم، از آنجاکه شرط تغییر فاحش شاخص‌ها فاقد معیار است، سبب می‌شود تا تفسیرهای گوناگونی از آن تقرر یابد. به موجب نظریه حاکم بر این متن، تغییر شاخص‌ها حق مطالبه ایجاد می‌کند، خواه این تغییر فاحش باشد یا نباشد. افزون بر اینکه بهره‌گیری از عبارات مبهم و تفسیرپذیر مغایر با اصول حاکم بر قانون‌نویسی است.

ب) افزون بر تقلیل شرایط، نکته بسیار مهم دیگر آن است که بر اساس اصول پیش‌گفته، شرایط را نیز باید به سود طلبکار تفسیر کرد. برای مثال، اگر در جایی میان شرکای شرکت و مدیران اختلافی باشد و جلسه‌ای برای حل اختلاف تشکیل شود، این درخواست تشکیل جلسه گونه‌ای مطالبه است و در جایی که یک طرف فرایند دآوری را تقاضا می‌کند، باید آن را در حکم مطالبه دانست. همچنین است اگر پیمانکار فسخ کارفرما را غیرقانونی بداند و استمرار قرارداد و التزام به رابطه قراردادی را در دادگاه مطرح کند، درحالی که در طول دادرسی قابلیت

انجام موضوع منتفی شده است و پیمانکار لاجرم باید درخواست خود را به مطالبه دستمزد تغییر دهد یا در جایی که مطالبه منوط به اظهار نظر کارشناسی است، با تقدیم دادخواست، شرط مطالبه دین تحقق یافته اعلام شود<sup>۱</sup> و مدیون بودن بدهکار به اظهار نظر کارشناس و قطعیت یافتن آن منوط نگردد<sup>۲</sup> و مسائلی از این دست. حتی گاهی فراتر از این برداشت که دین به حکم قطعی دادگاه است که عنوان دین منجز را پیدا می‌کند، کاملاً فلسفه تدوین قاعده را به مخاطره می‌افکند.<sup>۳</sup>

### ۳.۲. وجوه تفارق خسارت تأخیر تأدیه و تعدیل پول

اگرچه قانون‌گذار در برخی مواد قانونی نظیر تبصره ماده ۲ چک و تبصره ۲ ماده ۵۱۵ قانون آیین دادرسی مدنی از عبارت خسارت تأخیر تأدیه استفاده می‌کند، اما در واقع ماده ۵۲۲ چنان‌که گفته شد، نظریه تعدیل پول است و خسارت تأخیر نیست و در آمیختن این دو تأسیس حقوقی غلط مصطلح است و آنها به دلایل زیر با یکدیگر فرق دارند:

۱. «نظر به گزارش کارشناسی، علاوه بر حکم به اصل خواسته، به استناد ماده ۵۲۲ قانون آیین دادرسی مدنی خوانده را به خسارت دیرکرد اصل خواسته از تاریخ تقدیم دادخواست تا هنگام اجرای حکم در حق خواهان محکوم می‌نماید. رئیس شعبه ۱۱ کرمانشاه، ابراهیم نیا.»
- «در خصوص دعوی شرکت «ج» به طرفیت شرکت «گ» به خواسته پرداخت وجه پیمانکاری و خسارت قانونی از جمله تأخیر تأدیه و غیره با عنایت به برخورداری قضا یا از بعد فنی دادگاه جهت کشف واقع اخذ نظریات کارشناسان رسمی را ضروری تشخیص داده و قرار ارجاع امر به کارشناسان را اصدار نمود... علی‌هذا دادگاه تخاصم مطروحه از ناحیه خواهان را وارد و ثابت تشخیص داده است و حکم به پرداخت اصل خواسته و ... تأخیر تأدیه از تاریخ طرح دعوا تا اجرای کامل مفاد دادنامه را صادر می‌کند. رئیس شعبه ششم اهواز، قریشی.»
۲. «علی‌هذا نظر به اینکه گزارش کارشناسی پس از ابلاغ در تاریخ ۱۳۸۹/۶/۱۱ با مضمون ماندن از اعتراض قطعیت یافته است، خوانده از این تاریخ به پرداخت خسارت تأخیر تأدیه موضوع ماده ۵۲۲ قانون آیین دادرسی مدنی محکوم می‌شود.»
۳. «خسارت تأخیر در مورد دینی قابل اعمال است که منشأ آن بالذات و به ماهوالات دین منجز و قطعی و به معنی اخص باشد و فلسفه این اصل به منظور حفظ حقوق مدیون است که در نتیجه اجرای این مقررات ایجاد گردیده و این می‌تواند پس از قطعی شدن دین و احراز شرایط قانونی آن را مطالبه کنند. از این رو، چون در مانحن فیه احکام صاداری از ناحیه شعبه سی و یکم دادگاه عمومی تهران به حکایت دادنامه شماره ۹۸۶-۹۸۵ صادره از شعبه اول دادگاه محترم تجدیدنظر استان تهران در مورخ ۱۳۸۸/۸/۱۸ قطعیت حاصل نموده و با تشکیل پرونده اجرایی به کلاس/ 31/890053 ج و مطالبه دین محکوم علیه از پرداخت آن امتناع نموده، در نتیجه تعدی به اعمال و مقررات ماده ۵۲۲ از همان قانون با مشخص شدن دین خواهان و تثبیت مالکیت وی محمل قانونی داشته و بدین اعتبار خواهان استحقاق خسارت تأخیر تأدیه را از تاریخ قطعیت دادنامه ۱۳۸۸/۸/۱۸ دارا می‌باشد.»

الف) تعدیل پول جزء خسارت‌های اصلی و مادی است و پرداخت آن به منزله ایفای اصل تعهد است، حال آنکه خسارت تأخیر گونه‌ای زیان فرعی و از جمله مصادیق عدم‌النتفع است.<sup>۱</sup> جالب آنکه قانون‌گذار در تبصره ۲ ماده ۵۱۵، با حکم بر اینکه خسارت ناشی از عدم‌النتفع قابل مطالبه نیست، خسارت تأخیر در تأدیه را در موارد قانونی قابل مطالبه دانسته و ظاهراً این تبصره متفاوت با ماده ۵۲۲ است. این تفکیک به آن دلیل است که در قوانین جاری ایران خسارت تأخیر به‌عنوان خسارتی فرعی در برخی مقررات نظیر بند ۱ ماده ۲۷<sup>۲</sup> کنوانسیون حمل و نقل بین‌المللی کالا از طریق جاده، موسوم به C.M.R، یا ماده ۸ کنوانسیون تیر مصوب ۱۹۷۵<sup>۳</sup> پیش‌بینی شده است که هر گونه پول را، خواه داخلی یا خارجی، دربرمی‌گیرد. بنابراین، معنای درست خسارت تأخیر تأدیه در تبصره ۲ ماده ۵۱۵ ذکر شده است.

ب) خسارت تأخیر تأدیه فرض قانون‌گذار و ماده‌ای تأسیسی است که بر بهره بانکی بنیاد نهاده شده است. به این معنا که اگر قانون‌گذار قاعده خسارت تأخیر را ذکر نکرده بود، دادگاه حق صدور رأی در خصوص این خسارت را نداشت؛ حال آنکه تعدیل قاعده‌ای اعلامی است که بر واقعیت‌های اقتصادی پایه‌گذاری شده است و پرداخت آن به معنای پرداخت ارزش مال استیفا شده می‌باشد که قانون‌گذار برای آن ضابطه‌ای نوعی بیان کرده است. با این توصیف، نظریه تعدیل با سود بانکی قابل جمع است، حال آنکه خسارت تأخیر را نمی‌توان با سود بانکی به هم برآورد.

### ۳.۳. آثار حقوقی تفاوت این دو تأسیس

الف) نظر به اینکه درخواست تعدیل پول بر اساس ماده ۵۲۲ خسارت تأخیر تأدیه نیست، مطالبه خسارت از آن خسارت محسوب نمی‌شود. چنان‌که پیش از این گذشت، در ماده ۷۱۳ قانون آیین دادرسی مدنی سابق به صراحت حکم قانون‌گذار، خسارت از خسارت قابل

۱. رنجبر، مسعود رضا، همان، ص ۱۸۸.

۲. «مدعی حق مطالبه بهره برگرامت قابل پرداخت را خواهد داشت. چنین بهره‌ای به میزان سالیانه ۵ درصد از تاریخ ادعای کتبی به حمل‌کننده یا در صورتی که چنین ادعایی صورت نگرفته باشد، از تاریخی که اقدامات قانونی انجام شده تعلق خواهد گرفت». ایران در ۱۳۷۶/۴/۲۹ به این کنوانسیون ملحق شده است.

۳. «مؤسسه ضامن باید متعهد شود که هرگونه حقوق گمرکی واردات و صادرات و عوارض و نیز هرگونه جرمه تأخیر را طبق قوانین و مقررات گمرکی کشوری که در آن در رابطه با عملیات تیر موارد تخلف مشاهده گردیده است، پرداخت نماید». ایران در سال ۱۳۶۳ به کنوانسیون تیر ملحق شده است.

مطالبه نبود. این ماده در قانون جدید معادلی نیافت و بنابراین پذیرش یا مردود دانستن آن نیازمند آموزه‌های حقوقی است. با توجه به اینکه تعدیل پول خسارت افزوده بر اصل تعهد نیست، چه در معنای عام این تعبیر یا در ترکیب با دیرکرد، مطالبه خسارت از آن برخلاف قواعد حاکم بر خسارت به‌شمار نمی‌رود. توضیح اینکه زیان ناشی از تعدیل پول در عبارت حقوق بانکی همان بهره مرکب است، اما وضعیت ملموس آن در جایی است که تعدیل پول به‌طور مستقل بدون توجه به اصل مبلغ، خواسته دعوا باشد. برای مثال، طلبکاری که اصل طلب خود را دریافت کرده است، برای تعدیل آن دادخواست مستقلی طرح کند. فرض کنیم «الف» از «ب» یک میلیارد ریال طلبکار است و بدهکار با دیرکردی دوساله وجه را به حساب تعیین‌شده در قرارداد واریز می‌کند. حال «الف» دادخواستی را به خواسته تأخیر بر پایه ماده ۵۲۲ مطرح می‌کند. تبصره ماده ۵۱۵ قانون آیین دادرسی مدنی مقرر کرده است که اگر دعوای خسارت به‌طور مستقل مطرح نشود، نیازی به تنظیم دادخواست و البته پرداخت خسارات دادرسی نیست. مفهوم مخالف ماده آن است که دعوای خسارت مستقل ایجاد می‌کند که خواهان خسارات دادرسی، اعم از هزینه دادرسی، تمبر و کالت‌نامه و غیره، را تأدیه کند. نکته جالب توجه آن است که دادگاه در صورت وارد بودن دعوا، علاوه بر حکم به تعدیل پول، محکوم‌علیه را به خسارات دادرسی محکوم می‌کند که این در رویه جاری دادگاه‌های ما به معنای حکم به پرداخت خسارت از خسارت است. چنان‌که نظر مشورتی شماره ۲۰۶۵/۹۲/۷ مورخ ۹۲/۱۰/۳۰<sup>۱</sup> گونه‌ای از این خسارت قابل مطالبه دانسته شده است. رویه دادگاه‌ها در این فرض آن است که خواهان مکلف می‌شود تا خواسته خود را چون مطالبه وجه است، تعیین کند و او نیز از زمان درخواست تا پرداخت مدیون، تغییرات شاخص را محاسبه و خواسته خود را معین می‌کند. حال پرسش مهم آن است که اگر رسیدگی به چنین پرونده‌ای سال‌ها به طول انجامد، انقضای این زمان باید به زیان کدام طرف محاسبه شود؟

۱. نظریه اداره کل حقوقی قوه قضائیه:

«در فرض سؤال که مبلغ خسارت ناشی از عدم انجام تعهد مورد ارزیابی کارشناس یا هیئت کارشناسی قرار گرفته و سپس دادگاه آن را به عنوان محکوم به مورد حکم قرار داده، در این صورت فقط همین میزان تعیین شده در حکم نسبت به محکوم علیه اجرا می‌شود و این مبلغ مشمول خسارت تأخیر تأدیه نیست، اما متعاقب ابلاغ حکم قطعی و عدم پرداخت محکوم از ناحیه وی با وجود شرایط مقرر در ماده ۵۲۲ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب سال ۱۳۷۹ و در پی طرح دعوای مستقل، صدور حکم مبنی بر پرداخت خسارت تأخیر تأدیه از تاریخ ابلاغ حکم قطعی اولیه امکان‌پذیر است.»



برای مثال، پرداخت دین اولیه در سال ۱۳۹۰ انجام شده و در آن زمان مبلغ تعدیل پانصد میلیون ریال بوده، اکنون اگر این پول در سال ۱۳۹۴ که شاخص‌ها چند برابر شده است، مورد حکم قرار گیرد، آیا پرداخت پانصد میلیون ریال مدیون را بری‌الذمه می‌کند؟ یا بهتر است که این تعدیل نیز مشمول خسارت قرار گیرد تا طلبکار دچار زیان هنگفت نشود؟<sup>۱</sup>

ب) نتیجه دوم آن است که به استناد ماده واحده مصوب ۱۳۶۱/۲/۱۴ با عنوان «قانون راجع به منع توقیف اموال غیرمنقول متعلق به شهرداری‌ها»، قانون‌گذار افزون بر اینکه اموال شهرداری‌ها را پیش از صدور حکم قطعی توقیف‌ناپذیر اعلام می‌کند، مقرر می‌دارد که نهاد پیش‌گفته در صورت محکومیت به پرداخت وجه و اعتبار نداشتن در بودجه سال جاری، این امکان را دارد که محکوم‌به را بدون احتساب خسارت تأخیر تأدیه به دادبرده پرداخت کند. صرف نظر از اینکه ماده واحده مذکور ناظر بر قانون آیین دادرسی سال ۱۳۱۸ در بخش خسارت تأخیر تأدیه است، باید گفت که این ماده منصرف از ماده ۵۲۲ قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹ است؛ زیرا چنان‌که گفتیم، خسارت تأخیر تأدیه مبلغی افزون بر اصل حکم است، حال آنکه تعدیل پول اجرای اصل تعهد می‌باشد. در «قانون نحوه پرداخت محکوم‌به دولت و عدم تأمین و توقیف اموال دولتی» مورخ ۱۳۶۵/۸/۱۵ نیز به دولت اجازه داده شده است که در صورت محکومیت، موضوع حکم را در بودجه سال بعد تأمین کند. اگرچه ماده واحده پیش‌گفته درباره خسارت ساکت است، با توجه به استدلال‌های پیشین، دولت نیز ضمن بهره‌گیری از معافیت مذکور، باید مبلغ تعدیل شده را پرداخت کند و قانون مذکور دولت را از این حیث معاف نمی‌کند.

ج) از آنجا که تعدیل پول، چنان‌که گفته شد، فقط احراز حق و اعلام آن از سوی دادگاه است و در قانون آیین دادرسی مدنی به‌عنوان یک قانون شکلی مندرج شده است، باید گفت که به

۱. «نظر به اینکه اصل خواسته مطالبه خسارت تأخیر تأدیه است و خسارت از خسارت به لحاظ فقدان رابطه سببیت قابل مطالبه نیست، مطالبه خسارت تأخیر تأدیه به استناد ماده ۵۲۲ قانون آیین دادرسی مدنی محکوم به رد اعلام می‌گردد.»  
به موجب ماده ۳۰۴ قانون تجارت «خسارت تأخیر تأدیه مبلغ اصلی برات که به واسطه عدم تأدیه اعتراض شده است، از روز اعتراض و خسارت تأخیر تأدیه مخارج اعتراض و مخارج برات رجوعی فقط از روز اقامه دعوا محسوب می‌شود.»

زمان پیش از تصویب قانون نیز تسری می‌یابد و اگر طلب به پیش از سال ۷۹ مربوط شود،  
نیز دادگاه باید حکم به پرداخت آن را از زمان درخواست صادر کند.  
نکتهٔ باقیمانده در مبحث تعدیل پول این است که ایجاد خسارت قراردادی نیست، اما از اقدام  
زیان‌بار یک شخص به دیگری خسارت وارد می‌شود که رأی وحدت رویهٔ شمارهٔ ۷۳۳ مورخ  
۱۳۹۳/۷/۱۵ در مبحث ضمان درک و مستحق للغير، درآمدن مبیع ملاک ۵۲۲ را گسترش  
داده است که خود گفتار مستقلى را می‌طلبد.

## نتیجه گیری

قانون گذار ایران پس از ملغا شدن احکام خسارت تأخیر تأدیه که در قوانین گوناگون به صورت یک واحد منسجم تدوین یافته بود و با توجه به واقعیت‌های زورآور اقتصادی کشور و تحلیل‌های حقوقی و فقهی در زمینه تورم و کاهش ارزش پول در سال ۱۳۷۹ و ضمن تصویب قانون آیین دادرسی مدنی، مبحث تعدیل پول را در ماده ۵۲۲ پذیرفت. ماده مذکور تعدیل شرایطی را در مطالبه بیان کرده که بعضاً زائد است و در برخی موارد برخلاف مقصود قانون گذار از بیان حکم است. با توجه به اینکه با خودداری بدهکار از پرداخت دین، عملاً پیوند میان او و بستانکار به صورت جدیدی دگرگونی می‌یابد که مدیون سبب‌ساز آن بوده، همانا اوست که باید خسارت وارد شده را جبران کند که یکی از آنها تعدیل پول است. باین توصیف، شرایط مقرر شده از سوی قانون گذار با فلسفه اولیه تدوین ماده در تعارض است و صرف‌نظر از پیشنهاد اصلاح آن رویه قضایی، باید به گونه‌ای حرکت کند که آن فلسفه اولیه محفوظ بماند. نکته مهم منطبق با این دیدگاه آن است که اگرچه رویه جاری و گهگاه خود قانون گذار برای عبارت تعدیل پول از اصطلاح خسارت تأخیر تأدیه بهره می‌گیرد، اما در واقع میان این دو نهاد حقوقی تفاوت‌های ژرفی وجود دارد که تعبیر را به یک اشتراک لفظی کاهش می‌دهد و از محتوای حقوقی خالی می‌سازد؛ زیرا تعدیل پول همانا اجرای عین تعهد است و خسارت تأخیر، زیانی افزون بر اصل تعهد به شمار می‌رود. با این رویکرد، دو نهاد از نظر بار حقوقی با یکدیگر همسانی ندارند و این بدان معناست که در حقوق داخلی ایران، قانون گذار درباره وجه رایج، خسارت فرعی تأخیر تأدیه را مردود دانسته و نهاد جدیدی به نام تعدیل پول را به جای آن قرار داده است. درباره معاملات ارزی نیز از آنجاکه ایران به برخی مقررات بین‌المللی ملحق شده یا آنها را پذیرفته است، خسارت تأخیر به‌عنوان بخشی از مندرجات این مقررات پذیرفته شده است. ولی ما در معاملات داخلی ارزی، با خلأ قانون گذاری مواجهیم که نظام حقوقی ایران را از این حیث دچار ضعف می‌سازد و کوشش برای جبران آن لازم به نظر می‌رسد.

## فهرست منابع

### کتاب

۱. رنجبر، مسعود رضا، **خسارت ناشی از نقض قرارداد**، انتشارات میزان، چاپ اول، ۱۳۸۷.
۲. سماواتی، حشمت الله، **خسارت ناشی از عدم انجام تعهدات قراردادی**، تهران: انتشارات خط سوم، چاپ دوم، ۱۳۷۸.
۳. شهیدی، مهدی، **سقوط تعهدات**، تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، چاپ دوم، ۱۳۷۰.
۴. کاتوزیان، ناصر، **نظریه عمومی تعهدات**، جلد اول، تهران: انتشارات یلدا، چاپ اول، زمستان، ۱۳۷۴.
۵. کاتوزیان، ناصر، **الزامهای خارج از قرارداد (ضمان قهری)**، (دوره دو جلدی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، چاپ هشتم).
۶. کاتوزیان، ناصر، **قواعد عمومی قراردادها**، جلد چهارم، تهران: انتشارات شرکت انتشار با همکاری بهمن برنا، چاپ دوم، ۱۳۷۶.
۷. موسویان، سید عباس، **بررسی فقهی-حقوقی قوانین مربوط به جریمه و خسارت تأخیر تأدیه در ایران**، در مجموعه جریمه تأخیر تأدیه، گردآوری سید عباس موسویان، تهران: انتشارات جنگل، چاپ اول، ۱۳۸۹.

### مقاله

۸. کاشانی، محمود، «مبانی حقوقی و مقررات بهره و زیان دیرکرد» مجله کانون وکلای دادگستری مرکز، دوره جدید، شماره ۷، شماره پیاپی ۱۷۶، فروردین ۱۳۸۱.